



السلام علیکم وعلی آئالکم الطیبین

آثار نمایشی با پرداختن به مضامین عاشورایی چه تصویری در ذهن ما به جامی گذارد؟

خروج شب دهم، عرفان روز واقعه

است. با نگاهی به این سریال به بازنمایی مفاهیم اصلی مکتب عاشورا و نحوه نمایشی شدن این مفاهیم می‌پردازیم. همچنین در مطلبی دیگر به اهمیت بازپخش سالانه سریال «مختارنامه» و اینکه مواجهه‌هایی که با «بازپخش» این سریال می‌شود، توجهی به گسترش مخاطبان و تغییرات سالانه وضعیت اندیشه‌ای مخاطبان ندارد. صحبت کرده‌ایم.

نمایشی وجود دارد، تلاشی برای پرداختن به وجوهی از مکتب عاشورا است. سریال «شب دهم»، یکی از آثاری است که می‌توان به عنوان یکی از بهترین آثار مناسبی همه این سال‌ها از آن تجلیل کرد. محتوای سریال و همزمانی بخش آن با ماه محرم، انطباق مفاهیم و انتقال آنها در زمان مناسب، در قالب سریال یکی از بهترین نمونه‌های تولید و توزیع آثار مناسبی

حضرت ابوالفضل برای رساندن آب به خیمه‌ها و تشنگی، الهام‌بخش این ماجرا شده است؛ واقعه‌ای که در «مختارنامه» نیز در دیالوگی میان ابراهیم بن مالک‌اشتر و مختار در کنار علقمه مطرح شد: «نقل است، عباس وقتی به علقمه رسید تشنه بود، اما آب نخورد».

روح مرحوم رسول ملاقلی‌پور شاد که در سکانس تأثیرگذاری از «پرواز در شب»، زلفی به ماجرای کربلا نیز گره زده است. روابط عاطفی میان شخصیت‌ها و بویژه ایثار و فداکاری رزمندگان در این فیلم، نگاهی عمیق و زیبا به واقعه عاشورا و بویژه حماسه علمدار کربلا حضرت ابوالفضل (ع) در علقمه داشته است. الهام گرفتن از ماجرای تلاش

عمده تصویری که ما از محرم و عاشورا در ذهن داریم، متأثر از تجربیات زیستی ما است. محیط زندگی، محله و خانواده بیشترین خاطرات و تصاویر ذهنی ما را می‌سازند. در این میان برخی آثار نمایشی نیز، هر چند بسیار کم تصویری از این واقعه ساخته‌اند؛ تصویری که ماندگار شده و در خاطره‌ها باقی مانده‌اند، تصویری که هر کدام تلاش کرده‌اند به نحوی حقیقت عاشورا

ظلم‌ستیزی چگونه در «شب دهم» تجلی می‌یابد

علیه‌رضا خان

«شب دهم» به عنوان یکی از سریال‌های موفق در حوزه آثار نمایشی مرتبط با عاشورا، از چند وجه دارای اهمیت مضمونی است. یکی از پیام‌های عاشورا ظلم‌ستیزی و ایستادن در مقابل ظلم است. در سریال شب دهم، به این مضمون به صورت جدی پرداخته شده است. حیدر خوش‌مرام از یک عشق زمینی به اراده‌ای می‌رسد که به واسطه اجرای تعزیه و اصرار بر این ماجرا، خود را در مقابل استبداد قرار می‌دهد و یک مبارزه تمام‌عیار را رقم می‌زند. مبارزه با ظلم ستمشاهی و خفقان دوره رضاخان را شاید در کمتر اثر دیگری به این ظرافت دیده باشیم. یکی از بخش‌های ناشنیده تاریخ ما که تا پیش از «شب دهم» کمترین اتفاقی برای اشاره به آن در جریان فرهنگ و هنر رخ نداده بود، مواجهه رضاخان با دستجات عزاداری و پدیده‌ای به نام «تعزیه» بود. «تعزیه» یکی از پرطرفدارترین نمایش‌های ایرانی است که طی سالیان متمادی از وسعت و حجم مخاطبان آن کاسته نشده است. ارجاعی که در «شب دهم» به ماجرای تعزیه و مقابله حکومت «رضاخان» با آن شده است، بخشی از واقعیت‌های تاریخ معاصر است. «شب دهم» علاوه بر نمایش دقیق و جذاب از ظلم‌ستیزی، نقطه عطفی هم برای بازمعرفی تعزیه در فضای عمومی بود؛ تعزیه در این فیلم ابتدا بهانه‌ای برای روایت داستان تصور می‌شود اما در ادامه به مرور به متن می‌آید و بیشتر از قبل دیده می‌شود، تا آنکه کار به جایی می‌رسد که در قسمت آخر، خود بازیگران تعزیه امام حسین را اجرا می‌کنند و عزاداری زنان نقش اصلی فیلم در سکانس پایانی، جنبه‌ای از عزاداری اهل‌بیت در روز عاشورا و تابلوی معروف عصر عاشورای استاد فرشچیان دارد. شب دهم در عین حال که روایتگر یک عاشقانه کم‌نظیر است، دین خود را به تاریخ نیز ادا می‌کند و بخش‌های ناگفته‌ای از تاریخ را آنگونه که مقبول خاطر مخاطب افتد، به تصویر می‌کشد؛ بخش‌هایی که معرف ماجرای اختناق و سرکوب و استبداد دوره رضاخان است.

یکی دیگر از جنبه‌های مطرح و مهم مکتب عاشورا که در این سریال بازنمایی شده، نقش زنان در این ماجرا است. نقش روایتگری و زنده نگه داشتن قیام بر عهده زنان است. زنان آنگونه که در مکتب تشیع و مکتب عاشورا مایه تحرک و پویایی و حیات هستند، در شب دهم نیز حضور پررنگی دارند. مادر حیدر خود به عنوان زنی که وسایل تعزیه را حفظ کرده و به حیدر می‌سپارد، نگاهدار آموزه‌های عاشورایی است.



زمانه‌ات را بشناس

دیگر با مضمون عاشورایی نیز در کارنامه دارد که آن هم دیدنی است. «معصومیت از دست رفته» روایت خزانه‌داری دوستدار اهل‌بیت است که جایی می‌لغزد و این لغزش و خطای او به مکافات منجر می‌شود که دامن او را تا روز آخر زندگی‌اش و آنچنان که در خواب‌های آشفته می‌بیند در آخرت می‌گیرد و خود را در آتش می‌بیند. مهم‌ترین وجه معصومیت از دست رفته «لغزش» و «زمان‌شناسی» شؤذب است. آنکه حسین را در کربلا تنها می‌گذارد، به هیچ چیز دست نمی‌یابد. لغزش شؤذب در واقعه کربلا و سکوت وی در برابر امویان، سال‌ها بعد فرجامش را نشان می‌دهد؛ پسری که ماربا برای او به دنیا آورده بود، کشته می‌شود و شؤذب هم که دیوانه شده، ربابه دخترش را در مجلس عروسی‌اش به خاک و خون می‌کشد. این داستان که ممکن است با تخیل نیز آمیخته باشد- تخیلی که روایت تاریخی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و آن را خدشدار نمی‌کند- یکی از کارهای موفق پیرامون «زمان‌شناسی» و عمل درست در بزنگاه‌های مهم زندگی است؛ مسأله‌ای که در ماجرای کربلا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سینما محرم

این بین دختر خردسال ناخدا هانیه فلج می‌شود. ناخدا و خانواده‌اش تنگک را ترک می‌کنند و به بوشهر می‌روند و داستان ادامه می‌یابد. قهرمان کودک فیلم سمبل صبر و پایداری است؛ جایی که تصمیم می‌گیرد زیر نگاه سنگین دیگران (که پدرش را متهم به قتل دیگران می‌کنند) پدر پدر (برای شفاي دخترش که فلج شده) را ادا کند و شب تا صبح محرم دهم بزنده کاری سخت و طاقت فرسا که فقط از او بر می‌آید. «سفیر» نخستین فیلم سینمایی پس از انقلاب با مضمون عاشوراست. فریبرز صالح گوشه‌ای از زندگی «قیس ابن مسهر» را با بازی فرامرز قریبیان به تصویر کشیده است. نماینده امام حسین که برای سلیمان خراعی نامه‌ای آورده ولی در کوفه بازداشت می‌شود و پس از مجاهدت به شهادت می‌رسد. «ظهر روز دهم» به کارگردانی عباس رافعی، «هیبات» به کارگردانی مشترک روح‌الله حجازی، هادی مقدم‌دوست، هادی نائیچی و دانش قباشاوی، «عصر روز دهم» به کارگردانی مجتبی راعی، «من و زیبا» به کارگردانی فریدون حسن‌پور و... از دیگر آثاری هستند که در این سال‌ها تولید شده‌اند و در ایام محرم از تلویزیون به نمایش درمی‌آیند.

چرا بازپخش «مختارنامه» لازم است

می‌یابد، بویژه که سریال تاریخی است. باز از این منظر می‌شود به ماجرا نگاه کرد که تاریخ همواره عبرت است و تکرار آن بسیار مفید است. کاربران بسیاری در شبکه‌های اجتماعی این موضوع را مطرح می‌کنند که با هر بار بازپخش مختارنامه، درک تازه‌تری از روایت‌های تاریخی که در این سریال آمده است پیدا می‌کنند. در عین حال نفس مسأله عاشورا دارای بطن‌های متعددی است که با حس و عقل درآمیخته است. یعنی فارغ از جنبه اندیشه‌ای و میزان درک عقلی از ماجرای مانند قیام عاشورا، احساسات نیز رشد و هر بار تلقی تازه‌ای از عاشورا می‌کند. به همین جهت بازپخش یا تکرار سریالی به عظمت مختارنامه- که همه می‌دانیم با شرایط فعلی اقتصادی، هنری و نیروی انسانی حالا حالاها مشابهش تولید نمی‌شود- نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه لازم است.

در میان فیلم‌های سینمایی و آثار این سال‌ها که با اشاره‌ای به مضامین عاشورایی تولید شده‌اند یا پرداختی مستقیم‌تر به ماجرای کربلا داشته‌اند، برخی ماندگارتر شده‌اند. آنهایی که در این ایام بازپخش می‌شوند- و بازپخش‌شان هیچ اشکالی ندارد- تعدادشان زیاد نیست. غیر از رستاخیز که اکران موفقی در سینما هم نداشته، باقی تولیدات این حوزه بارها از تلویزیون به نمایش درآمده‌اند. «روز واقعه»، زیباترین و مهم‌ترین آنهاست. «عبدالله» جوان مسیحی مسلمان شده‌ای است که دل در گرو عشق «ارحله» دختر «زید» دارد و وی در جریان عروسی با ارحله ندایی می‌شود که او را به یاری فرا می‌خواند؛ عبدالله بیابان به بیابان، واحه به واحه به سمت کربلا می‌تازد و هنگام عصر عاشورا به آنجا می‌رسد و در آن زمان «حقیقت» را بر سر نیزه می‌بیند. تصویری که بیضایی نوشته و شهرام اسدی آن را کارگردانی کرده، بسیار قریب به ذهن است؛ تصویری که در مستندات تاریخی آمده‌اند، در روضه‌ها شنیده‌ایم و برای‌مان غریبه نیست. «به خاطر هانیه» فیلمی از کیومرث پوراحمد است. «ناخدا علو» با ۱۴ مرد دیگر برای صید به دریا می‌روند ولی همه جز ناخدا صید دریا می‌شوند و مردم ناخدا را مسبب مرگ عزیزان‌شان می‌دانند و به او و خانواده‌اش حمله می‌کنند و در

مواجهه‌ها با بازپخش سریال «مختارنامه» جنبه‌ای مبتذل به خود گرفته است. برخی تلاش می‌کنند به واسطه انتقاد به بازپخش مختارنامه مثلاً حرفی زده باشند و در فضای رسانه‌ای، ادعاهای تکراری خود درباره ساخت سریال‌های دیگر و عدم پخش این سریال ارزشمند را مطرح کنند. حالا بیاباید از زاویه‌ای دیگر به ماجرای «بازپخش» مختارنامه نگاه کنیم. برای خود من که مخاطب عادی این سریال هستم، هر سال مفاهیم تازه‌تری از سریال فهم می‌شود. به واقع «مختارنامه» درس تاریخ است. مثل این می‌ماند که ما هر ۵ سال یکبار برای دانش‌آموزان یک مدرسه درس تاریخ بگوییم. قبول این واقعیت که هر سال به لحاظ سنی به مخاطبان سریال افزوده می‌شود، کار سختی نیست. ضمن اینکه هر سال میزان درک محتوای سریالی مانند مختارنامه نیز در مخاطبان افزایش

گزارش تصویری

